



# عشایر در مقاله نامه ایران و عثمانی

۱۲۳۸ هجری

دکتر جابر عناصری  
(استاد مردمشناسی عشایری)

نظام کشورداری و اصول پاسبانی از مرزها و رعایت حقوق انسان‌ها و تعیین و تحدید مناطق زندگی شهرنشینان و روستاییان و بریژه گروه‌های کوچنده‌ای که به اقتضای اقتصاد معیشتی مبتنی بر دامداری و دامپروری و رمه‌گردانی، ناگزیر از بیلاق و قشلاق و یافتن مراتع سرسبز و آبشخورهای مناسب و اتراق در «یورت»ها و منزلگاه‌ها و ملزم به تنظیم بنچاق‌ها برای عبور از ایله‌ها و یافتن علفچر برای دام‌ها می‌باشند، تحریر مقاله نامه‌ها و تهیه شناسنامه‌هایی به منظور اسکان در قشلاق و بیلاق را ضروری می‌نماید.

با توجه به ظرفیت مراتع، بیلاقات پذیرای طایفه‌های چند از ایلات و عشایر هستند و تنظیم بقاعده پروانه‌های مرتع، درایت و همت خاصی می‌طلبد و برنامه‌ریزان عشایری، باید آگاهانه و با تکیه بر تخصصی که در قلمرو زندگی کوچ‌نشینان دارند، در زمینه «تخته قاپو» یا «آزادی عمل در کوچ»، پیش نویس‌های معقولانه‌ای فراهم نمایند و سوابق کوچ و مهاجرت عشایر را در نظر بگیرند.

کشور ایران از جمله مناطق مهم ایل‌نشین خاورمیانه به شمار می‌رود و حد و مرز فرهنگی و جغرافیایی و انطباق طبیعی

انسان با محیط زیست و نحوه زندگی عشایر، از اهم مباحث مربوط به این کوچندگان خیره و ماهر و علاقه‌مندان به دامپروری و رشد اقتصاد معیشتی مبتنی بر دامداری، محسوب می‌شود.

هر چند - متأسفانه - گاهی ناهماهنگی‌هایی در زندگی این گروه از مردم زحمتکش پیش می‌آید و هنگام استقرار در مراتع یا گذر از ایله‌ها، با مشکلات انطباق با طبیعت و یا اختلاف سلیقه با همسایگان شهری و روستایی و حتی در سطح وسیعتر، اتراق در حاشیه مرزها مواجه می‌گردند، با این حال، از دیرگاه اسناد و مدارکی در حیطه زندگی عشایری و بهبود وضع آنان و أحياناً پرهیز از درگیری‌های قومی و یا مرزی تنظیم شده و قواعد و قوانینی خاص برای این کوچ‌نشینان به خصوص در زمان جابجایی و کوچ و حرکت از قشلاق به بیلاق و بالعکس و بر پا نمودن خیمه‌ها در باراندازها، تنظیم شده و روابط بین دو کشور یا چند کشور همسایه که در طرفین مرزها با حرکت دسته جمعی خانواده‌های عشایری در کوچ بهاری و پاییزی روبرو هستند، در نظر آمده است.

مطالبی که در پیش رو داریم، صورت مقاله نامه دولتین علیتین ایران و عثمانی در عهد قاجار است که در هشت ماده و چند تذکر و اشاره به عنوان «حاشیه نویسی»

نگارش یافته و تکلیف عشایر مرزنشین ایران و عثمانی در آن روشن شده است. (تاریخ تنظیم، سال ۱۲۳۸ هجری است). رعایت مواد این مقاله نامه، سالها به قوت خود باقی و به سال ۱۲۶۳ و بعد از آن نیز مورد تأیید و رضایت طرفین (ایران و عثمانی) بوده است. حاشیه نویسی این مقاله نامه، صحت این امر را روشن می‌سازد.

دیباچه و مقدمه صورت مقاله نامه دولتین علیتین ایران و عثمانی در باب منع تردد عشایر به خاک همدیگر - که به دقت و در این تحریر یافته، چنین است:

«... چون عشایر دولتین علیتین ایران و عثمانی که در داخله امتداد خط حدود طرفین سکنی کرده مصدر بی حسابی می‌شوند اگر از طرف دولت متبوعه آنها به تأدیب آنها یا برای تحصیل مالیات دیوانی آنها اقدام بشود با تجاوز حدود نقل خانه به طرف دیگر کرده بدین واسطه از مجازات و تکالیف تفصی [= رهایی] حاصل می‌نمایند و این حالت اقدام بدیها را نتیجه می‌دهد لهدا برای سه راه این مقوله محذورات و تحصیل چاره برای اعاده آسایش امتداد خط حدود همین مقاله نامه فیما بین دولتین علیتین ایران و عثمانی به قرار تفصیل آتی منعقد خواهد شد...»

گفتیم که مقاله نامه در ۸ ماده تنظیم و هر ماده مضمون خاصی را در مورد کوچ و مهاجرت و اسکان عشایر عنوان نموده است.

مقاله نامه توسط افراد خبیری فراهم شده و برای سالها مواد مندرج در این مقاله نامه مورد تأیید و موافقت دولتین ایران و عثمانی بوده است.

عین متن مواد هشتگانه به شرح زیر است: ماده اولی دولتین علیتین تعهد می کنند که هر کدام بخواهند که یکی از عشایر متوطنه در داخله ممالک خود را یا یک فرقه از عشایر مزبور را تادیب بکند یا قروض دیوانی آنها را تحصیل نماید این مقوله اشخاص یا کسانی که جسارت به قتل و غارتی کرده باشند بنهایی یا با اعوان و فرقه عشایر خود حدود را تجاوز کرده بممالک دیگری از دولتین مشارالیهما التجا و دخالت کند هیچگونه وسیله و اسباب اعتراضی بدست آنها نداده بخاک هر دولتی گذشته باشند قطعاً مقبول نشده با همان اموال و اشیاء خودشان دستگیر و بحکومت محال اصلی آنها تسلیم کنند و در صورتیکه نتوانند دستگیر نمایند طرد و تعاقب کرده بخاک دولت متبوعه خودشان اعاده نمایند

ماده دوم اراضی و محالی که متنازع فیها معدود می شوند در اداره هر دولتی که باشد اهالی و عشایر موجوده در آنجا تا حل مسئله تحدید حدود موقتاً تبعه همان دولت محسوب خواهند شد و در حق اشخاصی هم که بخواهند به این مقوله محال متنازع فیها بیایند یا از آنجا هجرت نمایند احکام این مقاله نامه تماماً اجرا خواهد گردید و همچنین ادعاهای دولتین مشارالیهما که در حق اراضی و محال مذکوره و اهالی و عشایر ساکنه آنها دارند با این مقاله نامه حاضره قطعاً تغییر نخواهد یافت

ماده سیم تمامی عشایری که در داخله ممالک هر یک دولتین علیتین متوقف و خیمه نشین هستند تبعه همان دولت

می باشند این مقوله اشخاص اگر بخواهند هجرت نمایند از احکام ماده اولی مستثنا بوده فقط ابتداءً بحکومت محلی که میل رفتن آنجا دارند خبر می دهند تا احوالشان تحقیق بشود اگر بدولت متبوعه خود قرض دیوانی دارد مادام که قرض خود را نداده یا ادای آن را متعهد نشده و همچنین اگر بجنایتی مثل قتل و غارت متهم بوده باشد مادام که در حق او مجازات قانونیه اجرا نشده است مهاجرت او قبول نخواهد شد.

ماده چهارم از عشایری که در خاک دولتین علیتین متوطن یا خیمه نشین هستند اگر موافق اصول و قاعده که بعضی از تحصیل اجاره‌یها از دولت متبوعه خود در ماده سیم ذکر شد به ممالک یکدیگر مهاجرت نمایند اقلأً سی ساعت در سمت داخله اسکان خواهند شد واحدی از آنها را در امتداد و خط حدود ماموریت و اقامت داده نخواهد شد و آنهائیکه سابقاً هجرت نموده و در امتداد خط حدود سکنی کرده‌اند اگرچه بالطبع از محل خود حرکت داده نخواهد شد ولی اگر در میان آنها اشخاصی باشند که با شقاوت مشهور شده‌اند در حق آنها به دفعات شکایت حقه و شقاوت آنها ثابت شده باشد اقلأً پنجاه ساعت از حدود بسمت داخله تبعید خواهند شد و همچنین از عشایری که پیشتر مهاجرت کرده‌اند هیچکس در امتداد خط حدود بدون رقمهای دیگری بهیچ خدمتی استخدام نخواهد شد و اگر بعضی هم در خدمت بوده باشند تبدیل خواهد شد

ماده پنجم دولتین علیتین تعهد می کنند که اگر عشیرتی از عشایر طرفین یا یک فرقه از آنها حدود را تجاوز کرده بغصب و غارت یا بقباحتی کمتر از آن جسارت نماید اینمقوله‌ها را دستگیر و با معرفت کمسیون یا ماموری که از طرفین معین می شود رسیدگی نموده بهرنحوه که تبیین نمود موافق این برحسب اصول مجازاتی که در حق آنها شرعاً و قانوناً تعیین شده است در حکومت

محلی که آنها را دستگیر نموده‌اند مجری دارند و اموال مقصوبه را اگر هست کاملاً استرداد نموده بصاحبانش برسانند و چاره تحصیل نمایند که عشایر طرفین بلاخصت تجاوز حدود نکنند

ماده ششم دولتین علیتین متعهد می شوند که عساکر فراری را نیز بهر صنعت و ماموریتی در هر محلی که بوده باشند دستگیر نموده بحکومت دولت منسوبه خودش تسلیم نمایند

ماده هفتم گذشتن عشایر طرفین بممالک یکدیگر از دولتین برای ثیلاق و قشلاق و فرستادن هر نوع حیوانات خودشان کماکان در تحت ممنوعیت باقی خواهد بود

ماده هشتم دولتین علیتین تعهد می کنند که این مقاله نامه بمعاهدات و مقوله نامجاتی که بین دولتین منعقد و موجود و مرعی الاجرا هستند خلل نرسانند و تعهد میکنند که اعتباراً سه ماه بعد از امضای این مقاله نامه احکام آن را مرعی الاجرا دارند و بهیچگونه سبب و وسیله مختل ن سازند.

### [حواشی]:

- مآل ماده سیم عهدنامه ۱۲۶۳ برای استقرار همین مطلب است همان را دولتین به موقع اجری گذارند.

- این فقره‌ها دخل به اسباب تأمین حدود می شود.

- در عهدنامه ۱۲۳۸ در ماده چهارم اساس این فقره‌ها کاملاً مندرج و همچنین در عهدنامه ۱۲۶۳ در ماده هشتم همین معنی قید و تصریح شده پس همین قدر کافی است که دولتین اجرای آن فصول را من بعد بر عهده دوستی خود لازم و حتم نمایند

- عسکری که اصلاً رعیت دولتی باشد که بخاک او فرار کرده از این ماده مستثنی خواهد بود

- صورت مقاله نامه در باب منع عشایر بخاک دولتین علیتین ایران و عثمانی

چون عیش و لیلین علیین ایران و نماینده در دولت است و در طرفین گزرد و مصدر است بی شکر اگر از طرف دولت شکر  
 بتاریب آنها بطلب خصم یا مال است و از آنها است ابرام بود با تجاوز در وقت قتل یا تلف دیگر کرده بجز در وقت اجازت  
 و اگر تلفت شکر حاصل نمایند و از فالت فتنه ام بر جا را تجدید در آنها بطلب شده این متوجه گذرات و تجدید در  
 بر علاوه اسلحس ابتدا در خطه در زمین مقادیر می نمایند و در میان ایران و عثمانی بقرار خصم آنرا منعقد خواهد شد

در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین

ماده اول در لیلین علیین خصم کند خصم کدام خواهد بود که یک اعشار بر موطئه در وقت محاکم خود را بیک فرقه اعشار برزور را  
 تاویب کند یا در وقت دیوانه آنها را خصم نماید اما اگر شخص بیک که جبارت بقتل و غارت کرده باشند بقیه یا با احوال  
 در وقت عیش و لیلین حدود را تجاوز کرده مالک دیگر در این شرایط اجازت و خالت کند بیکو نه سید و سبب اعشار  
 مذکور بیک مریز که شده باشند بقیه مقبول شده با همان احوال و اشیاء خودشان و شکایت بگوت محال است اما بیکند  
 در هر یک که تواند و تسلیم نماید در وقت محاکم که بیک مال است بر عود خودشان داده نمایند

ماده دوم از خصم و محاکم که استنسخ در میان خود و در اداره هر یک باشد اما اعشار برزور در این متوجه  
 موقوفه همان دولت محسوب خواهند شد و در عی شخص هم که بخواهند بقیه محاکم متنازع فیها بیایند یا از آنها هجرت نمایند  
 انجام این مقادیر نامه مانا اجازت او کرده و همچنین در عی شخص باشد آنها که در عی از خصم محاکم مذکور و اول اعشار  
 ساکن آنها دارند با این مقادیر نامه حاضر در وقت محاکم خواهند یافت

در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین

ماده سوم تا عیش برزور که در محاکم هر یک در لیلین موقوفه و خیمه نشین هستند بقیه همان دولت باشند  
 این متوجه آنهاست اگر بخواهند هجرت نمایند از محاکم مانا او را مستشار بوده فقط است و بگوت محاکم در وقت عیش و لیلین  
 خصم بیکند تا احوالشان بختن بود بلکه در وقت عیش و لیلین خود در وقت دیوانه دارد مادام که قرض خود را نداده یا اول از  
 متهم شده و همچنین اگر بخواهند قتل و غارت شکر کرده باشد مادام که در عی او اجازات قانونیه هر یک  
 هجرت او قبول نخواهد شد

ماده چهارم اعشار برزور که در محاکم هر یک در لیلین موقوفه و خیمه نشین هستند اگر موافق صلح و قاعده که در ماده ششم ذکر شده محاکم  
 بیکر هجرت نمایند اما سر عی و محاکم خواهند شد و اصدرا آنها را در است و در خطه در مامورت  
 و اقامت داده خواهد شد و آنها بیکر هجرت نموده و در است و در خطه در مامورت کرده اند اگر چه با صلح از محاکم  
 حرکت داده نخواهند ولی اگر در میان آنها اتفاق باشد که با تفاوت مشهور شده اند در عی آنها در وقت محاکم  
 شده باشد اتفاقا رعایت از در دست و اخله بقیه خواهند شد و همچنین اعشار برزور که هجرت کرده اند  
 بیکر در است و در خطه در مامورت خواهد شد و اگر بعضی هم در وقت بوده باشند بیکر خواهند شد

در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین  
 در وقت عیش و لیلین

ماده پنجم در لیلین علیین خصم کند که اگر عیش برزور بیک فرقه از آنها در در استار کرده بقیه هجرت  
 یا بقیه حرکت از آن خسارت نامه این متوجه که اگر شکایت با معرفت کسیون یا مامور که از طرفین این متوجه سید

بزرگوار که بتین نزد موافقین نیز حسب مبادی را که در حق آنها شهادت داده اند تا تعیین شده است در حکومت محمد زاده آنها را دستگیر کرده  
 و در نزد ارباب علم و فضل و کرامت کمال است و در امور بجا جانشینان برسانند و چاره اختیار نمایند که عیال و طریقی  
 در خدمت شما در خدمت باشند

ماده هشتم در این عیالین متعهد می شوند که عیال خود را در این شهر مستقر نمایند و در صورتی که در آنجا موجود باشند دستگیر شوند و بگو  
 در آن متعهد می شوند که عیال خود را مستقر نمایند  
 ماده نهم گذشتن عیال در این شهر بآلایک یکدیگر از در این شهر بآلایک در ستادین بر لزوم حیوانات خودشان  
 در تحت رعایت بایستی خواهد بود

ماده دهم در این عیالین متعهد می کنند که از متعادلانه بجا داشته باشند و در میان البدو نشین منعقد موجود و  
 حاضر نباشند و آنچه می کنند که عیال را سه ماه بعد از این متعادلانه بجا داشته باشند از امر الاجرا دارند و بیگانه  
 دستگیر خواهند شد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

پرتال جامع علوم انسانی

دعای عیالین  
 تسبیح  
 سوره حمد  
 این دعا